

سورن کیرکگور

# تکرار

جستاری در روان‌شناسی تجربی

ترجمه‌ی صالح نجفی



## فهرست

۱	یادداشت مترجم
۱۷	بخش اول
۸۳	بخش دوم
۱۵۲	مؤخره
۱۶۵	نمایه

## یادداشت مترجم

۱۸۴۳ برای کیرکگور سالی حیرت‌انگیز بود، سرشار از خلاقیت و تولید: اندیشه‌های او که مدت زمانی طولانی، آهسته و پیوسته، در ذهنش قوام می‌یافت، به گفتهٔ خودش به یکباره «چون آبشاری کوچک بر سرم فرو می‌ریزند: کودکانی تندرست، شاداب، شکوفان، و نیکبخت، زادهٔ آرامش و با این حال همگی با لکهٔ مادرزادیِ شخصیت من». در پایان آن سال، کیرکگور علاوه بر *یا این یا آن* دو کتاب دیگر با نام مستعار منتشر کرده بود، *ترس و لرز و تکرار*، و همچنین سه مجموعه از *خطبه‌های تهنیدکننده* که با نام خودش نوشته بود. اگرچه *ترس و لرز و تکرار* با دو نام مستعار متفاوت نوشته شدند، در یک روز به انتشار رسیدند و معنایشان زمانی به نحو اکمل روشن می‌شود که خواننده آنها را به اتفاق هم بخواند: هر دو معضله‌ای اخلاقی را مطرح می‌کنند، از جنس قیاسی ذوحدین (dilemma)، و هر دو در موضوعاتی یکسان کندوکاو می‌کنند: ایمان یا وفاداری، خسران و رنج، و هر دو نشان می‌دهند که اندیشهٔ عقل‌مدار قادر به درک جامع هستی انضمامی آدمی نیست. *تکرار* به توصیف یک نامزدی ناتمام می‌پردازد اما *ترس و لرز* قصهٔ ابراهیم و اسحاق عهد عتیق را واریسی می‌کند.

کیرکگور مابقی عمر خود را عمدتاً به نوشتن گذراند. در خانه کار می‌کرد، پشت میز تحریر بلندش می‌ایستاد یا غرق تأمل در اندیشه‌هایش

اتاق را گز می‌کرد. سبک نوشتنش به اندازه محتوای نوشته‌هایش مهم است چراکه او قصد دارد از طریق نوشته‌هایش خواننده را بی‌قرار سازد، تحریک کند و مجاب سازد. کیرکگور وقتی می‌نوشت نوشته‌هایش را به صدای بلند برای خودش می‌خواند تا ضرباهنگ و تأثیر بلاغی جمله‌هایش را بسنجد. اگرچه او بیشتر وقت‌ها تنها بود، در ضمن بسیار اجتماعی و خوش‌مشراب بود و دوست می‌داشت به هنگام فراغت از کار به پیاده‌روی‌های طولانی در خیابان‌های شهر پردازد. او در کپنهاگن به شهرت رسید، نه فقط به جهت فعالیت ادبی‌اش بلکه به لطف شخصیت نامتعارف‌اش (زمان زیادی لازم نبود تا آدم‌ها تشخیص دهند نویسنده واقعی کتاب‌هایی که او با نام مستعار می‌نوشت کیست)، و آشنایان زیادی هم داشت که هرگاه دست بر قضا به یکی از ایشان در خیابان برمی‌خورد می‌ایستاد تا گپ بزند. با این همه، شهرت او در سال ۱۸۴۵ به شدت لطمه دید، زمانی که او مجله‌ای فکاهی به نام *کورزارن*<sup>۱</sup> (به معنای دزد دریایی) را تحریک کرد تا به او حمله کند: کیرکگور نامه‌ای نوشت و در آن مجله مذکور و هیئت تحریریه‌اش را به باد انتقاد گرفت و *کورزارن* چند ماه پس از آن، به تلافی، کاریکاتورهایی تحقیرآمیز چاپ کرد که او را با کلاه سیلندر بزرگ و شلوار بی‌قواره‌اش نشان می‌داد. حال، وقتی برای پیاده‌روی از خانه بیرون می‌زد، مغازه‌داران و رهگذران به او می‌خندیدند و بچه‌ها متلک بارش می‌کردند. نکته عجیب — و جذاب — درباره «*غائله کورزارن*» این است که کیرکگور خواسته و دانسته طالب این بدرفتاری‌ها و دست‌انداختن‌ها بود.

کیرکگور در سال‌های دهه ۱۸۴۰ بسیار پرکار بود و مهم‌ترین کارهای فلسفی خود را در فاصله ۱۸۴۳ و ۱۸۴۹ نوشت: علاوه بر سه کتابی که در ۱۸۴۳ منتشر کرد، *خرده‌نان‌های فلسفی* که درباره آموزه تجسد در مسیحیت

۱. *کورزارن* (Corsaren) هفته‌نامه فکاهی و سیاسی دانمارکی بود به سردبیری مئیر آرون گلداشمیت که اکثر مطالب آن را خود می‌نوشت. این مجله در کپنهاگن دانمارک و از سال ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۶ منتشر می‌شد. م

بحث می‌کند؛ مفهوم اضطراب، تجزیه و تحلیل موی شکاف مفهوم گناهکاری ذاتی؛ تعلیقه غیرعلمی نهایی بر خرده‌نان‌های فلسفی، کتابی حجیم درباره «مسأله مسیحی شدن» (صیوروت مسیحی در تقابل با وجود مسیحی)؛ و مرض تا به موت: که تجربه‌ی نومیدی را از منظر روان‌شناسی می‌کاود و اظهار می‌دارد که بر نومیدی فقط از طریق زیستنی مسیحی می‌توان غلبه کرد، حیاتی مبتنی بر ایمان و آمرزش. همه این کتاب‌ها با نام‌های مستعار گوناگون منتشر شدند، و همانطور که از عنوان‌هاشان برمی‌آید بنا نبود هیچکدام آسان‌خوان باشد. تعلیقه غیرعلمی نهایی که همانند خرده‌نان‌های فلسفی با نام مستعار یوهانس کلیماکوس نوشته شد شامل متنی است که او در مرور و بررسی متن‌های دارای نام مستعار قبلی‌اش نوشت و هدف‌ها و روش‌های آنها را یک جا به بحث می‌گذارد. این کتاب با فصلی به پایان می‌رسد که امضای خود کیرکگور را دارد، با عنوان «اولین و آخرین توضیح»: او در این متن تصدیق می‌کند که خود نویسنده همه کتاب‌هایی است که با نام مستعار به نشر رسانده است و رابطه خود را با آن نام‌های مستعار توضیح می‌دهد.

کیرکگور در ضمن به انتشار منظم مجموعه‌هایی از خطبه‌های تهذیب‌کننده به نام خودش ادامه داد، و این منشآت مذهبی که، به سان موعظه‌های کلیسایی، مبدأ بحث خود را متن کوتاهی از کتاب مقدس می‌گیرند آسان‌یاب‌تر از کتاب‌هایی‌اند که کیرکگور با نام مستعار می‌نوشت، هرچند کسانی که به فلسفه کیرکگور علاقه دارند آنها را کمتر می‌خوانند. البته محتوای آنها به متن‌های دارای نام مستعار او بی‌ربط نیست. نوشته‌های کیرکگور از ۱۸۵۰ تا پایان عمرش دم به دم جدلی‌تر شد و او چند متن در حمله به مسیحیت زمانه خود و اعضای برجسته و عالی‌رتبه کلیسای دانمارک منتشر کرد. این جدلیات که به سیاق خطبه‌های دینی‌اش به نام خود کیرکگور نوشته شدند جنجال فراوانی به پا کردند (و بی‌تردید او از این بابت خرسند بود) و در سراسر کشورهای اسکاندیناوی سبب‌ساز بحث و جدل‌های بسیار شد. در

۱۸۵۴ کیرکگور مجله‌ای به نام *لحظه*<sup>۱</sup> راه انداخت (که نویسنده‌ای به غیر از خودش نداشت) و هر شماره را کم و بیش اختصاص داد به گلایه از اینکه هم‌کیشان «مسیحی» اش آدم‌هایی بی‌صداقت، ریاکار و فاسد شده‌اند. لحن این کارهای اخیر تلخ و عصبی است: این نوشته‌ها فاقد جذابیت و اهمیت فلسفی کارهای پیشین‌اند.

کیرکگور در ۱۸۵۵ از دنیا رفت، در چهل و دو سالگی. برخلاف حال و هوای نوشته‌های آخرش، این مرگ بالنسبه زودهنگام آرام و موقرانه بود. کیرکگور در یکی از روزهای پاییز ۱۸۵۵ در خیابان از حال رفت، در بیمارستان بستری شد و چند هفته بعد مرد، در ۱۱ نوامبر. آنان که او را در واپسین روزهای حیاتش می‌دیدند از مشاهده آرامش و خونسردی‌اش جا می‌خوردند. خاصه چشم‌هایش که همچنان پرفروغ بود. در وصیت‌نامه ساده‌اش نوشته بود معدود دارایی‌هایش باید به رگینه اولسن برسد. در مراسم تشییع پیکرش جمعیت انبوهی حاضر شدند، از جمله گروهی از معترضان — خوانندگان *مجله لحظه* — که مدعی بودند کلیسا در تزویر و ریا گشوده است که نعش مخالفی چون کیرکگور را در خاک مکانی مقدس دفن می‌کند. وقتی پیتر، برادر کیرکگور، کمی بعد از مرگ او به آپارتمانش رفت یک خروار کاغذ تمیز و مرتب دید و از جمله بیست و شش دفتر یادداشت، سی و شش دفتر خاطرات، و آخرین شماره هنوز منتشر نشده *مجله لحظه*. دست‌نوشته‌ای هم بود با عنوان *نظرگاه کار نویسندگی من*؛ در این متن، کیرکگور با مرور گذشته‌ها مقام نویسندگی خود را شرح می‌دهد و ادعا می‌کند نوشته‌های رنگ‌وارنگ او مقصدی مشترک دارند: آگاه کردن آدم‌ها از معنای حقیقی مسیحیت. این کتاب پس از مرگش منتشر شد، سال ۱۸۵۹. طی سال‌های بعد، صاحب‌نظران مشغول رمزگشایی، سامان‌دهی و ویرایش یادداشت‌ها و خاطره‌های مکتوب او شدند، مکتوباتی که غالباً به روشن شدن مفاد کتاب‌های منتشر شده در طول حیات کیرکگور کمک می‌کردند.

## نام‌های مستعار: مسئله ارتباط با خواننده

کیرکگور تصدیق می‌کند که بر نام‌های مستعارش قسمی سلسله‌مراتب حاکم است و خود او در مقام نویسنده خطبه‌های تهذیب‌کننده، در میانه آن سلسله‌مراتب جای می‌گیرد. آنتی کلیماکوس مقامی بالاتر از خود او دارد و حال آنکه تمام دیگر نام‌های مستعار — که نگرشی زیباشناختی یا اخلاقی به زندگی دارند — مقامی فروتر دارند. کلیماکوس و آنتی کلیماکوس به کیرکگور رخصت می‌دهند تا از دو منظر متضاد درباره مسیحیت قلم بزند، و هر دوی این منظرها با نظرگاه خود او فرق می‌کنند.

با این همه، این امکان را هم باید در نظر آورد که دیدگاه‌های بیان‌شده به وسیله نویسنده‌های خیالی و دارای نام‌های مستعار به واقع دیدگاه‌های خود کیرکگورند. این امکان استنباطی یکسر متفاوت از نام‌های مستعار عرضه می‌کند. ای بسا آنها جملگی نماینده جنبه‌هایی از اندیشه خود کیرکگور باشند. بی‌گمان، مواضع نام‌های مستعار در خصوص هستی انضمامی انسان غالباً با یکدیگر مخالف یا حتی متناقض اند — اما شک نیست که افراد گاهی در ضمیر خویش ویژگی‌های شخصیتی و دیدگاه‌هایی متعارض می‌یابند. خود کیرکگور یقیناً شخصیتی متناقض بود: بازیگوش و سخت‌کوش، شوخ‌طبع و جدی، بخشاینده و سختگیر، خونگرم و منزوی، اهل معاشرت و عزلت‌نشین. چرا باید توقع داشته باشیم موضعی فلسفی واجد انسجامی درونی باشد هنگامی که خودمان فاقد انسجامی درونی‌ایم؟ شاید متن‌هایی که کشمکش میان دو یا چند نام مستعار را به تصویر می‌کشند نمایانگر کشمکشی درون شخصی واحد باشند. بر پایه این تفسیر، متنی مانند *یا این یا آن* راهی است برای کیرکگور تا به بررسی جامع‌الاطراف گرایش‌های سطحی، نیست‌گرایانه و غیراخلاقی خویش پردازد (و این شخصیت زیباشناختی چندان نامقبول هم نیست) و سپس از منظری اخلاقی به دعوا و پرخاش با خویش برخیزد. در کتاب *تکرار* دو شخصیت خیالی داریم: کنستانتین کنستانتیوس [که می‌توان آن را آقای «ثابت ثباتی» ترجمه کرد] — متفکری انتزاع‌گرا و علاقه‌مند

به فلسفه جدید — و مرد بی‌نام جوانی که با دختری نامزد کرده است و حال مشغول تأمل درباره تجربه نامزدی‌اش است. این دو شخصیت در ابتدای کتاب دوستانی صمیمی‌اند اما وقتی مرد جوان گرفتار بحرانی اخلاقی می‌شود تماسش را با کنستانتین قطع می‌کند، دیگر از او اندرز نمی‌خواهد و با او رای نمی‌زند و به جای مشاوره با او به سراغ کتاب ایوب عهد عتیق می‌رود تا مایه‌ای برای الهام بیابد. این مسیر تحول در روایت بازتاب تحولی در باطن فردی است که درگیر وضعیتی شده است که هستی و حیات او را بحرانی کرده و بدین‌سان حیات درونش را بر خود او عیان ساخته است: این فرد به واسطه این وضعیت بحرانی به محدودیت‌های تأمل نظری پی می‌برد و راهنمایی دینی می‌جوید. تکرار کتاب کوچکی است بی‌اندازه مرموز و معمایی و شاید ارائه تفسیری قطعی و نهایی که نکته‌های مبهم آن را روشن سازد محال باشد اما سرنخ‌هایی در خود متن هست که کنستانتین کنستانتیوس و مرد نامزد کرده جوان به واقع دو شخص جدا از هم نیستند! خواه نام‌های مستعار را جنبه‌های گوناگون شخصی واحد بگیریم — که ممکن است او را با کیرکگور یک تن انگاریم و ممکن است نه — خواه آنها را ناظر به افرادی متمایز بشماریم، به هر روی می‌توان گفت آنها مظهر رهیافت‌های متفاوت به زندگی‌اند. این به طور قطع یکی از مقصودهای اصلی به کارگیری آنهاست: کیرکگور در فلسفه خود نمی‌خواهد فقط با اندیشه‌های انتزاعی کار کند، می‌خواهد به افرادی پردازد که هستی و حیات واقعی دارند. نام‌های مستعار تجسم انسان‌شکل انواع گوناگون هستی انضمامی‌اند، و این‌ها صرفاً مثنی نظریه یا مفهوم نیستند، شخصیت‌هایی‌اند که هر یک سرگذشتی دارد، رشد می‌کند، تحول می‌یابد، وضعیت‌های مشخصی را از سر می‌گذراند و به آنها واکنش نشان می‌دهد. این کیفیت پویا و دستخوش تحول دائم بسیار مهم است: کیرکگور فلسفه را نقد می‌کند که چرا قادر به درک درست

۱. حتی می‌توان گفت یک نفر مشغول تحلیل حیات باطن خویش است، یعنی انگار توأمان نقش روانکاو و بیماری را بازی می‌کند که به روانکاو رجوع کرده است.



و صورت‌بندی روشن حرکت یا صیرورت مدامی نیست که ویژگی اصلی هستی انضمامی آدمی است. نام‌های مستعاری که او به کار می‌گیرد درباره مفهوم‌های فلسفی بحث می‌کنند اما عاشق هم می‌شوند، رنج هم می‌کشند، سفر می‌کنند و تصمیم‌هایی هم می‌گیرند.

فلسفه معمولاً با مفهوم‌ها و روابط میان آنها سروکار دارد (و هگلی‌هایی که کیرکگور تمایل شدیدی به حمله کردن به ایشان داشت مشخصاً روی همین روابط مفهومی تأکید می‌کردند)، اما تفکر کیرکگور به هستی انضمامی افراد و روابط میان آنها نظر دارد — روابطشان با سایر آدم‌ها، با خدا و با خودشان. می‌گوید نام‌های مستعار او تفسیرهایی عرضه می‌کنند از «متن اصلی روابط میان افراد در هستی انضمامی‌شان». منظور از منظر مسیحی کیرکگور این است که ایمان و عشق محور فلسفه اویند، و این‌ها انواع و مراتب روابطاند نه اندیشه‌های انتزاعی. نام‌های مستعار ممکن است در کل مثال‌های روشن ایمان و عشق نباشند، اما اینکه نام‌های مستعار کیرکگور با ایمان و عشق کلنجار می‌روند به خواننده دیدی ژرف‌تر در مورد لوازم و مقتضیات این کیفیت‌ها می‌بخشد.

کیرکگور شیفته تئاتر بود و غالباً درباره‌شان نویسندگی نام‌های مستعارش با مصطلحات تئاتری سخن می‌گفت. استفاده از شخصیت‌های پرورده خیال به او رخصت می‌دهد هستی باطنی آدم‌ها را در قالبی تئاتری بریزد و کاری کند که نزاع‌ها و کشمکش‌ها روی «صحنه» متن ظاهر شوند. این راهی است برای جان‌بخشیدن به اندیشه‌ها، زنده کردن آنها و به حرکت درآوردن‌شان. و همچنین راهی است برای جلب توجه خواننده به آنها و کشاندن او به درون تئاتر ایده‌ها. نام‌های مستعار نه صرفاً وسیله‌ای نو برای انتقال افکار فلسفی به خواننده بلکه جزئی اساسی از کوشش کیرکگورند برای خلق نوع تازه و «هستی‌مداری» از فلسفه.

تکرار کتابی است که کیر کگور در سال ۱۸۴۳ و با نام مستعار کنستانتین کنستانتیوس چاپ کرد. کنستانتین به تحقیق در این باره می‌پردازد که آیا تکرار ممکن است یا نه و کتاب شامل تمام آزمون‌هایی می‌شود که او بدان‌ها دست می‌زند تا این معنی برای او روشن شود. آزمایش‌های او در ضمن به بیماری بی‌نام پیوند می‌خورد که تحت عنوان «مرد جوان» بدو اشاره می‌شود. مرد جوان از دختر محبوبش در خواست ازدواج کرده است اما یکباره احساس می‌کند باید نامزدی را بهم بزند چرا که نظرش عوض شده است. تضاد و تعارضی هست میان دو شکل از صادق بودن؛ وفادار بودن به نامزدش و صادق بودن در مورد احساس‌های جدیدش. از قضا این وضعیت به روشنی آینه‌ای است در برابر تجربه شخصی کیر کگور و رابطه‌اش با رگینه اولسن. همین شباهت وضعیت مرد جوان به وضعیت خود کیر کگور است که نشان می‌دهد کنستانتیوس و مرد جوان به احتمال زیاد دو شخص جدا نیستند و ما با نوعی تحلیل حیات باطن روبه‌رویم که در آن، یک فرد هم‌زمان نقش بیمار و روانکاو را بازی می‌کند.

تکرار از مرد جوانی حرف می‌زند که می‌خواهد از مرحله زیباشناختی به مرحله دینی برسد، اما در این کار شکست می‌خورد و صرفاً خود قدیمی‌اش را از نو می‌آغازد، برخلاف ایوب در کتاب مقدس که سرآخر توانست به تکرار حقیقی نایل شود و هر آنچه را از دست داده بود از نو به چنگ آورد.

#### از همین مترجم

مفهوم ایزونی با ارجاع مدام به سقراط      سورن کیر کگور



ISBN: 978-964-213-353-6



9 789642 133536

۱۶۵۰۰ تومان

